



مرکز تحقیقات و نشریات

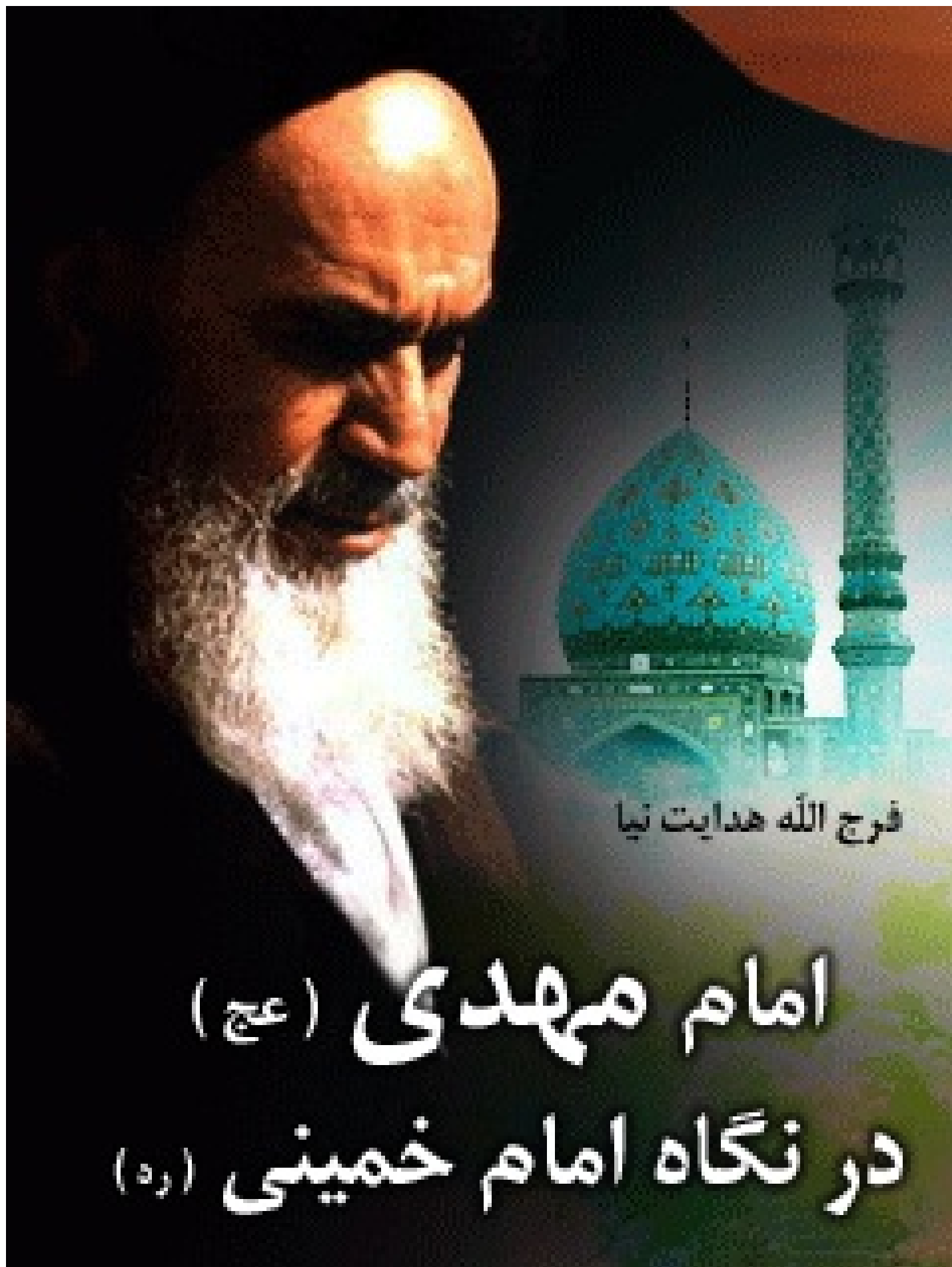
اصفهان

گامی



الرحمن
علیهما صلی

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



فروج اللہ ہدایت نیا

امام مہدی (عج)

در نگاہ امام خمینی (رہ)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نگاه امام خمینی

نویسنده:

فرج الله هدایت نیا

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام مهدی (عج) در نگاه امام خمینی (ره)
۶	مشخصات کتاب
۶	پیشگفتار
۷	عید میلاد حضرت مهدی (عج)
۹	خصائص المهدی
۱۴	فلسفه غیبت
۱۸	وظایف مسلمین در عصر غیبت
۱۸	اشاره
۱۸	انتظار
۱۸	اشاره
۱۸	انتظار به معنای غلط
۲۰	انتظار به معنای صحیح
۲۴	تشکیل حکومت
۲۹	حکومت مهدوی (عج)
۳۸	پاورقی
۵۰	درباره مرکز

مشخصات کتاب

نویسنده: فرج الله هدایت نیا

ناشر: فرج الله هدایت نیا

پیشگفتار

نوشته ها و گفته های «حضرت امام خمینی» (رحمه الله) به عنوان فقیه و دانشمند بزرگ و نیز به عنوان کسی که نهضت اسلامی را در جهان معاصر رهبری و بنیان گذار یک حکومت مبتنی بر قرآن و سنت اهل بیت بوده و سرزمین ایران را کشور بقیه الله نامید، برای صاحبان فکر و اندیشه از اعتبار و جایگاه ویژه ای برخوردار است و به همین مناسبت اصحاب بیان و بنان و نیز محققان و مؤلفان در هر مسأله رأی و دیدگاه حضرت امام (رحمه الله) را جویا می شوند. موضوع امام زمان (عج) و مسایل پیرامون آن، یکی از مهم ترین مباحث دینی است که آثار مکتوب فراوانی راجع به آن از گذشته های دور تا کنون بر جای مانده است و هر یک در حد وسع خود به آن موضوع پرداخته و شخصیت آن وجود بی بدیل را به بشر شناسانده اند. بی گمان دیدگاه های حضرت امام (رحمه الله) راجع به امام زمان (عج)، برای علاقمندان به آن دو بزرگوار که یکی پیشوا است و دیگری پیرو بسیار آموزنده است. همه می خواهند بدانند که امام خمینی (رحمه الله) درباره ی امام مهدی (عج) چه گفته و چه نظری داشته است. در این مقاله سعی شده است تا نقطه نظرات امام راحل (رحمه الله) راجع به آن یار غائب (حضرت مهدی (عج)) از مجموعه آثار برجای مانده از او استخراج و دسته بندی شود و در اختیار علاقمندان قرار گیرد. با مطالعه ی این مقاله می توان به پاسخ پرسش های زیر دست یافت: ۱ دیدگاه

حضرت امام (رحمه الله) راجع به فلسفه ی غیبت امام زمان چیست؟^۲ نظر حضرت امام (رحمه الله) در مورد وظایف شیعیان در دوران غیبت حضرت مهدی (عج) چیست؟^۳ انتظار و حقیقت آن در نگاه حضرت امام (رحمه الله) چگونه است؟^۴ حکومت و شرایط حاکم در دوران غیبت از نظر امام خمینی^۵ چگونه است؟^۵ در حکومت حضرت مهدی (عج) چه اقداماتی صورت می گیرد؟ ذکر نکاتی راجع به این مقاله ضروری است: الف) به دلیل پیشگیری از حجیم شدن مقاله از طرح پاره ای از سخنان امام خمینی (رحمه الله) خودداری شده است، از این جهت مقاله ی حاضر دربردارنده ی همه ی سخنان حضرت امام (رحمه الله) راجع به موضوع نمی باشد. ب) برای ایجاد نظم و سازمان منطقی در مطالب، سخنان حضرت امام (رحمه الله) که به مناسبت‌های گوناگون ایراد شده، تقطیع شده و فقط به ذکر قسمت مورد نیاز بسنده شده است.^۶ همان گونه که در مورد آیه ها و روایت ها نیز از همین روش استفاده شده است. ج) هدف این نوشتار طرح دیدگاه های حضرت امام (رحمه الله) راجع به امام زمان (عج) بوده است.^۷ لذا از بیان برخی مسایل هر چند مهم که از حضرت امام خمینی (رحمه الله) مطلبی راجع به آن دیده نشده، خودداری شده است. د) روش انتخاب شده در دسته بندی مطالب و نیز تیترها و عنوان های برگزیده سلیقه ی نگارنده است و موضوعیت ندارد. امید است که این نوشتار گامی برای اقدام های بعدی و پژوهش های تفصیلی باشد.

عید میلاد حضرت مهدی (عج)

سالروز خجسته ی میلاد امام زمان (عج) از اعیاد بزرگ اسلامی محسوب میشود و شیعیان برای آن احترام خاصی

قابل هستند، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رحمه الله) در مورد عید میلاد حضرت مهدی (عج) دو ویژگی ذکر کرده است. بزرگ ترین عید اسلامی ویژگی اول این است که عید تولد امام زمان (علیه السلام) از جهت بزرگی تر از همه ی اعیاد، حتی بزرگ تر از عید ولادت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) است. «اگر عید ولادت حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) بزرگترین عید است برای مسلمین از باب این که موفق به توسعه آن چیزهایی که می خواست توسعه بدهد، نشد، چون حضرت صاحب (علیه السلام) این معنا را اجرا خواهد کرد و در تمام عالم، زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، به همه مراتب عدالت، به همه مراتب دادخواهی باید ما بگوییم که عید شیعیان، عید تولد حضرت مهدی (عج) بزرگترین عید است...» [۱]. «از این جهت این عید، عید بسیار بزرگی است که به یک معنا از عید ولادت حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) که بزرگترین اعیاد است، این عید به یک معنا بزرگتر است». [۲]. عید تمام بشرویشگی دوم این است که عید میلاد حضرت مهدی (عج) عید تمام بشر است، بخلاف سایر اعیاد اسلامی که عید مسلمین است: «عید تولد حضرت مهدی (عج) بزرگترین عید است برای تمام بشر، وقتی که ایشان ظهور کنند انشاءالله خداوند تعجیل کند در ظهور او تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجی ها را راست می کند: یملاً الارض عدلاً بعد ما ملئت جوراً» [۳]. [۴]. «... از این جهت این عید، عید تمام بشر است، بعد از این که آن اعیاد، اعیاد مسلمین است، این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان

هدایت خواهد کرد...» (۵) سال ها پیش از آن که حضرت مهدی (عج) متولد شود، پیامبر اسلام ضمن اشاره به زمان تولد او، آن را عید اعلام نموده است. در حدیثی از پیامبر نقل شده است: «من احیا لیلہ العید، و لیلہ النصف من شعبان لم یمت قلبه یوم تموت القلوب.» [۵]. آری! ماه شعبان ماه بزرگی است، زیرا در سوم این ماه «بزرگ مجاهد عالم بشریت» یعنی امام حسین (علیه السلام) دیده به جهان گشود و عالم را غرق نور کرد و در پانزدهم این ماه «منجی عالم بشریت» یعنی حضرت مهدی (عج) متولد شد و عالمیان را غرق سرور کرد. [۶].

خصائص المهدی

خصایص و ویژگی های حضرت مهدی (عج) بیشتر از آن است که بتوان در این مقاله بیان نمود. در مجموعه سخنان حضرت امام (رحمه الله) به تعدادی از آن ها اشاره شده است که با ذکر بخشی از آن ها متبرک می شویم. ۱. خاتم الاوصیاء یکی از ویژگی های امام زمان آنست که حضرت ایشان آخرین امام معصوم و به عبارتی خاتم اوصیا است. در سخنان امام راحل آمده است: «سالروز مبارک ولادت باسعادت و پربرکت حضرت خاتم الاوصیاء و مفخر الاولیاء حجت بن الحسن العسکری ارواحنا لمقدمه الفداء بر مظلومان دهر و مستضعفان جهان مبارک بود.» [۷]. این ویژگی ها اشاره به یک مطلب مهم دارد که در روایت های متعددی ذکر شده است از جمله ی این روایت ها، حدیث زیر است: قال رسول الله (صلی الله علیه وآله): «الائمة من بعدی اثنا عشر اولهم أنت یا علی، و آخرهم القائم الذی یفتح الله تعالی ذکره علی یدیه مشارق

الارض و مغاربهها». [۸]. بنابراین اوصیای پیامبر و جانشینان او دوازده نفرند که آخرین ایشان حضرت مهدی (عج) است، پس او «خاتم الاوصیاء» است. ۲. خلیفه اللهیکی دیگر از ویژگی های امام عصر (علیه السلام) آنست که حضرتش، «خلیفه الله» است. این ویژگی نیز در بیان حضرت امام (رحمه الله) آمده است. ایشان فرموده است: «من خیلی ناراحت گاهی می شوم از این که مثلاً امام عصر (علیه السلام) را می گویند سلطان السلاطین؛ خلیفه الله است.» [۹]. همان طور که می دانیم غرض از خلقت بشر این بود که «جانشین خدا» یعنی همان خلیفه الله باشد، آن گونه که در قرآن آمده است: و اذ قال ربك للملائكة ائني جاعل في الارض خليفه [۱۰]؛ و هنگامی که پروردگار تو به فرشتگان گفت: در زمین جانشین قرار خواهم داد. از طرف دیگر، در روایت ها به حضرت مهدی (عج) لقب «خلیفه الله» اعطا شده است. از جمله در روایتی که پیامبر فرمود: «يخرج المهدي و علي رأسه غمامه فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفه الله فاتبعوه» [۱۱]. ۳. مصلح محمدیان اصلاح طلب زیادند ولی اصلاح طلب واقعی حضرت مهدی (عج) است. این ویژگی نیز در سخن امام راحل (رحمه الله) ذکر شده است. «و آن روزی که انشاء الله تعالی، مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود بلکه با کوشش ها و فداکاری ها ستمکاران سرکوب و منزوی می شوند.» [۱۲]. «من امیدوارم که انشاء الله حضرت بقیه الله زودتر تشریف بیاورند و این طیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند این ها را.» [۱۳]

این که حضرت مهدی (عج) روزی خواهد آمد و «اصلاحات» واقعی را آغاز می نماید، مستند آن روایت هایی است، از جمله روایتی که راجع به تفسیر آیه ی ۱۷ سوره ی حدید آمده است: «عن ابن عباس فی قوله تعالی اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها، [۱۴] یعنی یصلح الارض بقائم آل محمد من بعد موتها یعنی من بعد جور اهل مملکتها...» [۱۵]. ۴. بقیه الله حضرت مهدی (عج) یادگار امامان و باقی مانده ی آنان است. او ذخیره ی خدا است که در قرآنش فرمود: بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین [۱۶]؛ بازمانده ی خدا برایتان بهتر است اگر ایمان داشته باشید. امام خمینی (رحمه الله) از مقتدای خویش امام زمان به «بقیه الله» و نیز «ذخیره خدا» تعبیر کرده است. «دست عنایت خدای تبارک و تعالی به سر این ملت کشیده شده است و ایمان آن ها را تقویت فرموده است که یکی از علائم ظهور بقیه الله ارواحنا فداه است.» [۱۷]. «اگر مهدی موعود هم مثل سایر اولیاء به جوار حق می رفتند. دیگر کسی نبوده است که این اجراء عدالت را بکند، نمی توانسته، و این یک موجودی است که ذخیره شده است برای همچو مطلبی.» [۱۸]. در روایت ها آمده است، وقتی خواستید به امام زمان سلام بدهید، بگویید: «السّلام علیک یا بقیة الله فی أرضه» [۱۹]. ۵. قائم القاب مشهور ولی عصر (علیه السلام) این است که ایشان «قائم» هستند. امامرا حل (رحمه الله) ضمن اشاره به این لقب می فرماید: «امیدوارم که ما همه... به آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب (علیه السلام) برای ما

تعیین فرموده اند عمل کنیم... شاید این وضعی که برای حضرت صاحب (علیه السلام) ذکر شده است. دنبال همین آیه شریفه که می فرماید: قل انما اعظکم بواحد ان تقوموا لله مثنی و فرادی... [۲۰] همه باید قیام بکنیم قیام واحد که بالاترین قیام همان قیام آن شخص واحد است و همه قیام ها باید دنبال آن قیام باشد و قیام لله باشد... البته آن حضرت قیام لله می فرمایند... [۲۱] علاوه بر آیه ای که در سخنان حضرت امام (رحمه الله) ذکر شد، در روایت آمده است: «پس از شهادت امام حسین (علیه السلام) فرشتگان ضجّه کنان از خدا پرسیدند: خدایا! آیا از قتل اباعبدالله چشم پوشی خواهی کرد؟ خدا ضمن اشاره به امام زمان (علیه السلام) که در حال ایستاده نماز می گذارد، فرمود: «بذلک القائم أنتقم منهم»، بوسیله ی آن قائم (ایستاده) از آن ها انتقام خواهم گرفت». [۲۲]. ۶. صاحبزویژگیها و صفت های امام زمان (علیه السلام) «صاحب» است که به تنهایی و یا به صورت «صاحب الزمان» استعمال میشود. «در زمان حضرت صاحب (علیه السلام) هم که ایشان با تمام قدرت می خواهند عدل را اجرا نمایند...» [۲۳]. «در زمان حضرت صاحب (علیه السلام) حکومت واحد می شود...» [۲۴]. «آیا خلاف قرآن نیست که ما دیگر معصیت کنیم تا حضرت صاحب بیاید؟!» [۲۵]. به کاربردن صفت «صاحب» برای آن وجود مبارک توسط هم عصران آن حضرت بوده است: «عن نسیم الخادم، قال: دخلت علی صاحب الزمان (علیه السلام) بعد مولده بعشر لیل، فعطست عنده فقال لی: یرحمک الله» [۲۶]. به امام زمان «صاحب عصر» نیز گفته می شود، آن گونه که در کلام

امام راحل (رحمه الله) آمده است: «می گویند: والعصر، إنَّ الانسان لَفِي خسر [۲۷] امام زمان (علیه السلام) است. یعنی عصاره همه موجودات. قسم به عصاره همه موجودات یعنی قسم به انسان کامل انَّ الانسان لَفِي خسر» [۲۸]. همچنین به آن حضرت «ولی عصر» میگویند که این ویژگی در سخنان حضرت امام (رحمه الله) نیز به کار رفته است. [۲۹] در بیان نورانی از امام صادق (علیه السلام) کلمه ی «عصر» در سوره ی شریفه ی «و العصر» به عصر خروج امام زمان تفسیر شده است. [۳۰]. ۷. منتظر امام زمان کسی است که عالم و آدم در انتظار اوست. همه منتظرند تا عدالت گستر جهان بیاید و بشر را نجات دهد. به همین دلیل حضرتش را «منتظر» نامیده اند: «مهدی منتظر در لسان ادیان و به اتفاق مسلمین از کعبه ندا سر می دهد و بشریت را به توحید می خواند». [۳۱]. در کلام نورانی امام صادق (علیه السلام) آمده است: «عن زراره قال: سمعت ابا عبد الله (علیه السلام) يقول: انَّ للغلام غيبه قبل ان يقوم، قال: قلت: ولم؟ قال: يخاف و أوماً بيده الى بطنه ثم قال: يازراه و هو المنتظر و هو الذي يشك في ولادته». [۳۲]. ۸. خورشید هدایت «نورانیت» از ویژگی های مشترک همه ی معصومین است که درباره ی آنان روایت های متعددی در این خصوص وارد شده است. در مورد حضرت مهدی (عج) نیز روایت های متعددی وارد شده است. ابتدا جمالتی از حضرت امام (رحمه الله) و سپس روایت ذکر می شود. «امید است که خداوند متعال آن روز فرخنده را به ظهور این مولود فرخنده هرچه زودتر فرا رساند و خورشید هدایت و امامت را

طالع فرماید.» [۳۳]. در روایت نیز آمده است: «انّ قائمنا اذا اقام اشرفت الارض بنور ربّها، و استغنى العباد عن ضوء الشمس و صار اللیل و النهار واحداً، و ذهب الظلمه» [۳۴]. ۹. مهدی موعود (عج) از القاب مشهور آن حضرت، مهدی موعود (عج) است که بیش از سایر کلمات، استعمال می شود. در بخشی از بیانات امام خمینی (رحمه الله) آمده است: «من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگتر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است، برای این که دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آنی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر.» [۳۵]. در مورد وجه نام گذاری آن جناب به مهدی از «امام نهم» نقل شده است که فرمود: «انّما سمی المهدی مهدیاً لانه یهدی لامرخیّ، یهدی لما فی صدور الناس، یبعث الی الدّجال فیقتله لایدری فی ایّ شیء قتله» [۳۶]. از امام خمینی (رحمه الله) عبارت ها و ویژگی های دیگری نیز درباره ی امام عصر وجود دارد که نقل همه ی آن ها به طولانی شدن مقاله می انجامد. از قبیل: یگانه دادگستر ابدی، پرچمدار بزرگ رهایی، ناظر امور، منجی بشر و... در کتاب دلائل الامامه نیز تعداد زیادی از القاب حضرت مهدی (عج) نقل شده است که هر یک ناظر به یک صفت و یک ویژگی حضرت مهدی (عج) است. هم چنین در «زیارت جامعه کبیره» نیز به برخی از صفات مشترک اهل بیت (علیهم السلام) اشاره شده است. [۳۷].

فلسفه غیبت

همان طور که می دانیم، امام زمان (علیه السلام) دو غیبت دارد: یکی

غیبت صغری و دیگری غیبت کبری. [۳۸]. غیبت صغری مجموعاً ۷۴ سال [۳۹] طول کشیده است و پس از آن (از سال ۳۲۹ ه. ق.) غیبت کبری آغاز شده است که تا کنون و تا زمانی که بر ما پوشیده است ادامه خواهد یافت. آن چه در این سطور بیان می شود راز غیبت امام زمان و فلسفه ی آن است. باید بین «فلسفه ی غیبت» و «آثار غیبت» تفاوت قایل شویم. این که امام زمان چرا غایب شده اند، با این مطلب که بر غیبت آن حضرت چه فوایدی مترتب می شود، تفاوت دارد. راز غیبت در سخنان امام (رحمه الله) با ظرافت خاصی بیان شده است. مجموعه کلمات امام (رحمه الله) در این باره را می توان در چند بند و یک نتیجه بیان نمود. ۱. هدف بعثت انبیا «اجرای قسط و عدل» بوده است: «هر یک از انبیا که آمده اند برای اجرای عدالت آمدند و مقصدشان هم این بود که اجرای عدالت در همه عالم بکنند...». [۴۰]. این که فلسفه ی بعثت انبیا «اجرای عدالت» بوده مستند قرآنی دارد. از نظر قرآن مجید بعثت انبیا اهدافی داشته است که یکی از مهم ترین آن اهداف این بوده که عدالت در همه جا گسترش یابد. در سوره ی «حدید» آمده است: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط [۴۱]؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. ۲. این هدف بزرگ و مقدّس (اجرای عدالت) به دلایلی تا کنون محقق نشده

است و ما امروزه شاهد بی عدالتی در سراسر جهان هستیم: «لکن موفق نشدند، حتی رسول ختمی (صلی الله علیه و آله) که برای اصلاح بشر آمده بود، باز در زمان خودشان موفق نشدند به این معنا... لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند...» [۴۲]. عبارت مذکور صریح است در این که هدف فوق تا کنون محقق نشده است. الآن زمین پر از ظلم است و در آینده ممکن است بیشتر هم بشود و این شاهد است بر این که انبیا موفق نشده اند عدالت را به اجرا در آورند؛ البته نه به دلیل ناتوانی انبیای الهی بلکه به خاطر فقدان شرایط مناسب و نیز کار شکنی مخالفین بوده است. ۳. هیچ کس قدرت ندارد که عدالت حقیقی را به اجرا در آورد، به جز انسان عادل و کامل، و او کسی جز امام زمان (علیه السلام) نیست: «این پر کردن دنیا از عدالت، این را ما نمی توانیم بکنیم؛ اگر می توانستیم می کردیم، اما چون نمی توانیم بکنیم ایشان باید بیایند...» [۴۳]. البته ما باید هم چون انبیای الهی برای محو ظلم و گسترش عدالت تلاش کنیم و اگر موفقیت کامل حاصل نمی شود، لااقل از میزان مظالم کاسته می گردد ولی اجرای کامل عدالت فقط به دست ید اللّهی حضرت مهدی (عج) صورت خواهد گرفت. ۴. از آن جا که امام زمان آخرین وصی پیامبر است و پس از او دیگر امام معصومی نخواهد بود، بنابراین او باید تا عصر ظهور زنده بماند و عمر طولانی داشته باشد تا آن هدف والا را اجرا نماید: «آن چیزیکه انبیا موفق نشدند به آن، باین که برای آن خدمت

آمده بودند، خدای تبارک و تعالی ایشان [مهدی (عج)] را ذخیره کرده است که همان معنایی که همه انبیاء آرزو داشتند، لکن موانع اسباب این شد که نتوانستند اجرا بکنند و همه اولیاء آرزو داشتند و موفق نشدند که اجرا بکنند، به دست این بزرگوار اجرا بشود. این که این بزرگوار را طول عمر داده خدای تبارک و تعالی برای یک همچو معنایی، ما از آن می فهمیم که در بشر کسی نبوده است دیگر، قابل یک همچو معنایی نبوده است. [۴۴]. ۵. اگر امام زمان هم مانند پدران بزرگوار خود به طور معمولی و آشکارا در میان مردم زندگی می کرد و قابل دسترسی بود، هم چون آن بزرگواران معصوم توسط مخالفین به شهادت می رسید: «اگر مهدی موعود (عج) هم مثل سایر اولیا به جوار رحمت حق می رفتند، دیگر در بشر کسی نبوده است که این اجرای عدالت را بکند...» [۴۵]. امامان معصوم (علیهم السلام) هر یک یا به سمّ و یا به شمشیر از دنیا رفته اند. مخالفان برای از میان برداشتن امام معصوم که مانع جدی در برابر افزون طلبی آنان است ابتدا از روش تطمیع و یا تهدید استفاده می کردند و چون ائمه با تطمیع و یا تهدید دست از هدف خود بر نمی داشتند، لذا به شهادت می رسیدند. به همین دلیل وقتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله) می پرسند که چرا امام زمان غایب می شود، در پاسخ فرموده است: «یخاف القتل» [۴۶]. ۶. از آن چه گذشت این نتیجه حاصل می شود که فلسفه ی غیبت امام زمان (علیه السلام) «تضمین حیات او به

منظور تحقق آرزوی انبیا و اولیای الهی و اجرای عدالت در زمان موعود» است. این که حضرت را «ذخیره الهی» می نامند اشاره به همین معناست. «در زمان ظهور مهدی موعود (عج) که خداوند ذخیره ی کرده است او را از باب این که هیچ کس در اولین و آخرین، این قدرت برایش نبوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد...» [۴۷].

وظایف مسلمین در عصر غیبت

اشاره

ازمباحث بسیار با اهمیت و آموزنده، وظایف مسلمانان و شیعیان در عصر غیبت آن یار سفر کرده است. این بخش از مطالب در کلام امام خمینی (رحمه الله) با تفصیل بیشتری آمده است. سخنان حضرت امام (رحمه الله) در ارتباط با موضوع فوق در دو بند کلی تنظیم و تدوین می شود:

انتظار

اشاره

همان طور که پیش از این اشاره شد، یکی از خصوصیات و صفات امام زمان (علیه السلام) «منتظر» است. یعنی کسی که جهان در انتظار اوست. «ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم... انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است.» [۴۸] انتظار برترین عمل می باشد [۴۹] و عبادت محسوب می شود. [۵۰] در این مطلب بین شیعه اختلافی نیست، آن چه مهم است برداشت هایی است که از مفهوم انتظار و حقیقت آن ارائه می شود که متأسفانه برخی از آن ها غلط و انحرافی است. در زیر ضمن اشاره به تفسیرهای ناروا، حقیقت انتظار از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) بیان می شود.

انتظار به معنای غلط

امام خمینی (رحمه الله) به چندین برداشت ناصحیح از انتظار اشاره فرموده است که هر یک به طور جداگانه ذکر می شود: ۱- عده ای انتظار را در این می بینند که برای تعجیل در ظهور امام زمان دعا کنند. این گروه ضمن عمل به تکالیف دینی خود، نسبت به آن چه از خطاها و معصیت ها در جامعه می بینند امر به معروف هم می کنند ولی هیچ اقدام عملی برای محو ظلم و ستم انجام نمی دهند: «بعضی انتظار فرج را به این می دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان (علیه السلام) را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آن ها را که من سابقاً می شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب (علیه السلام) بود.

این‌ها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند نبودند.» [۵۱]. عده‌ای فکر می‌کنند انتظار آنست که بنشینند و دعا کنند تا حضرت بیاید و خودش به مسایل رسیدگی کند. این عده گرچه به تکالیف فردی خود عمل می‌کنند ولی نسبت به مسایل جامعه بی‌تفاوت هستند. امام (رحمه‌الله) درباره این گروه و تفکرشان فرموده است: «یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد، به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکالیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند انشاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آن چه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.» [۵۲]. عده‌ای گمان می‌کنند انتظار آنست که منتظر بمانیم جهان را ظلم و جور فرا بگیرد تا حضرت بیاید. این گروه مخالف امر به معروف و نهی از منکر بوده و آن را مغایر انتظار می‌دانند. «یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب! باید عالم پر [از] معصیت بشود تا

حضرت بیاید. ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می خواهند بکنند. گناه ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.» [۵۳]. ۴۰ دسته ای دیگر فکر می کنند انتظار آنست که به گناه دامن بزنیم و دیگران را نیز به معصیت تشویق نماییم. «یک دسته ای از این بالاتر بودند، می گفتند: باید دامن زد به گناه ها دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت (علیه السلام) تشریف بیاورند. این هم یک دسته ای بودند که البته در بین این دسته منحرف هایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند. منحرف هایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می زدند.» [۵۴]. حضرت امام (رحمه الله) تأکید می نماید که دو دسته ی اول، انسان های سالم و صالحی هستند ولی تفکرشان غلط است، اما دسته ی اخیر، هم تفکرشان باطل است و هم خود منحرف یا ساده لوح هستند. هم چنین ایشان می فرماید: «انتظار به معنای غلط ساخته دست سیاسیون است تا مسلمین را از سیاست دور نگهدارند.» [۵۵].

انتظار به معنای صحیح

پس از بیان برداشت های انحرافی انتظار، اینک نوبت آن است که معنای حقیقی و سازنده ی انتظار از دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) ذکر شود. از نظر ایشان انتظار به تنهایی کفایت نمی کند: «همه انتظار داریم وجود مبارک ایشان را، لکن با انتظار تنها نمی شود بلکه با وضعی که بسیاری دارند انتظار نیست.» [۵۶]. از نظر امام راحل (رحمه الله) منتظر باید اعمالی را انجام دهد و شرایطی را تحصیل نماید تا انتظار

حقیقتاً صدق نماید، در غیر این صورت صرف یک ادعاست. اعمالی که منتظران باید انجام دهند چنین است: ۱ خود سازیخش قابل توجهی از سخنان مرحوم امام (رحمه الله)، راجع به اینست که منتظر باید پیوسته خود را در محضر امام زمان و خدا ببیند و معصیت نکند. به نظر او تزکیه ی نفس لازمه ی انتظار است: «شما الآن تحت نظر خدا و تحت نظر امام زمان (علیه السلام) هستید. ملائکه شما را مراقبت می کنند، نامه اعمال شما را به امام زمان (علیه السلام) عرضه می دارند.» [۵۷]. «حالا ببینید که تحت مراقبت هستید. نامه اعمال ما می رود پیش امام زمان (علیه السلام) هفته ای دو دفعه (به حسب روایت). من می ترسم ما که ادعای این را داریم که تبع این بزرگوار هستیم، شیعه این بزرگوار هستیم، اگر نامه اعمال را ببیند و می بیند تحت مراقبت خداست نعوذ بالله شرمنده بشود... نکند که خدای نخواستہ از من و شما و سایر دوستان امام زمان (علیه السلام) یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان (علیه السلام) باشد. مراقبت کنید از خودتان، پاسداری کنید از خودتان...» [۵۸]. «اگر یک وقت نامه عمل یک روحانی را بردند و به امام زمان (علیه السلام) دادند و آن ملائکه الهی که بردند دادند، گفتند که این هم روحانی شماست، این ها پاسداران اسلام شما، و امام زمان خجالت بکشد نعوذ بالله.» [۵۹]. این که اعمال ما زیر نظر ائمه هست یا این که اعمال ما به آن ها عرضه می شود ریشه ی قرآنی و نیز روایی دارد. در قرآن آمده است: اعْمَلُوا فِی سَبِيلِ اللَّهِ

عملکم و رسولهُ و المؤمنون [۶۰]؛ عمل کنید زود است ببیند خدا کردار شما را و پیمبرش و مؤمنان. در روایت‌ها آمده که مقصود از «مؤمنون» ائمه‌ی معصوم هستند. [۶۱] پس خدا، رسول و امامان اعمال ما را می‌بینند. علاوه بر آن، نامه‌ی عمل ما هم به محضر آنان برده می‌شود. از امام رضا (علیه السلام) نقل شده است: «أما علمت أنا معاشر الأئمة تُعرض علينا اعمال شيعتنا صباحاً و مساءً؟» [۶۲]؛ آیا نمی‌دانی اعمال شیعیان ما هر صبح و عصر بر ما امامان عرضه می‌گردد؟ پاک سازی (جامعه) مقصود از پاک سازی مبارزه با مظاهر گناه و پلیدی است. منتظر باید تلاش کند جامعه را از ظلم و ستم پاک نماید و این شرط انتظار است. او باید برای رضای خدا، بر علیه زشتی‌ها قیام نماید. «امیدوارم که ما همه... به آن وظایفی که اسلام، قرآن، تحت لوای حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) برای ما تعیین فرموده اند عمل کنیم و صورت‌ها را محتوای واقعی به آن بدهیم و الفاظ را معانی حقیقی، شاید این وصفی که برای حضرت صاحب (علیه السلام) ذکر شده است دنبال همین آیه شریفه که می‌فرماید که: قل انما أعظمكم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی [۶۳] همان قیام آن شخص واحد است و همه قیام‌ها باید دنبال آن قیام باشد. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید که: من فقط یک موعظه دارم به شما (قل انما أعظمكم بواحدة) به امت بگو که فقط من یک موعظه دارم به شما و آن موعظه این است که قیام کنید

و قیام لله باشد، قیام لله کنید. البته آن حضرت قیام لله می فرمایند و آن للهی که و آن خلوصی که برای ایشان هست برای دیگران نیست. لکن شیعه های بزرگوار آن حضرت هم باید پیروی از او بکنند در این که قیام کنند برای خدا. [۶۴]. «به همه ما تکلیف است که باید مقابله کنیم با این دستگاه های ظالم خصوصاً دستگاه هایی که با اساس مخالفند.» [۶۵]. حضرت امام (رحمه الله) هم چنین درباره ی کسانی که می گویند: «من که دلم بیشتر نسوخته به اسلام از حضرت صاحب (علیه السلام)، خوب ایشان هم که می بینند این را، خود ایشان بیایند، چرا من بکنم؟» می فرماید: «این اشخاص می خواهند از تکلیف شانه خالی کنند این منطق اشخاصی است که می خواهند از زیر بار در بروند. اسلام این ها را نمی پذیرد. اسلام این ها را به هیچ چیز نمی شمرد...» [۶۶]. بر اساس ادله ی مربوط به امر به معروف و نهی از منکر باید بر علیه مظاهر فساد و پلیدی مبارزه کرد و زمینه را برای ظهور حضرت فراهم نمود. [۶۷]. ۳. آماده سازیسومین وظیفه ی منتظر آنست که خود و جامعه را برای ظهور امام زمان و یاری او آماده نماید. «آمادگی و آماده سازی» از لوازم انتظار به معنای حقیقی کلمه است. «ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم. کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت (علیه السلام)». [۶۸]. «در بعضی روایات که من حالا نمی دانم صحت و سقمش را هست که

یکی از چیزهای مستحب این است که مؤمنین در حال انتظار اسلحه هم داشته باشند، اسلحه مهیا، نه این که اسلحه را بگذارند کنار و بنشینند منتظر. اسلحه داشته باشند برای این که با ظلم مقابله کنند، با جور مقابله کنند. تکلیف است، نهی از منکر است. به همه ما تکلیف است که باید مقابله کنیم...» [۶۹]. در مورد آماده بودن منتظر، روایت زیر نقل می شود: «عن ابی بصیر قال: قال ابو عبدالله (علیه السلام): لیعدّ [ن] احدکم لخروج القائم ولو سهماً، فانّ الله اذا علم ذلک من نیته رجوت لأن ینسئ فی عمره حتی یدرکه، و یکون من اعوانه و انصاره». [۷۰]. پس صرف این که کسی بگوید من در انتظار حضرت مهدی (عج) هستم، او منتظر شناخته نمی شود، بلکه باید شرط های سه گانه ی آن، یعنی خودسازی، پاک سازی و آماده سازی را نیز تحصیل نماید. به عبارت دیگر، منتظر واقعی کسی است که خود را ساخته، برای پاک سازی جامعه از آلودگی تلاش و خود را برای یاری امام زمان آماده نموده است. این حقیقت انتظار در کلام امام خمینی (رحمه الله) است و این معنای از انتظار است که برترین اعمال و بهترین عبادت ها است. «و اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی های منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد و تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود ف إنّ الله و أنّا الیه راجعون». [۷۱] [۷۲].

تشکیل حکومت

از نظر امام خمینی (رحمه الله)، یکی از وظایف اساسی مسلمین در دوران غیبت امام معصوم تشکیل

حکومت است. مؤمنین باید برای تحقق این هدف بزرگ با طواغیت زمان و سلاطین دوران مقابله نمایند و بساط حکومت آنان را برچینند و خود تشکیل حکومت دهند و احکام نورانی اسلام را اجرا نمایند. دیدگاه امام خمینی (رحمه الله) در ارتباط با حکومت، در چند بند بیان می شود. الف) لزوم تشکیل حکومت «اکنون که دوران غیبت امام (علیه السلام) پیش آمده و بناست احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می آید. عقل هم به ما حکم می کند که تشکیلات لازم است، تا اگر به ما هجوم آوردند بتوانیم جلوگیری کنیم. اگر به نوامیس مسلمین تهاجم کردند دفاع کنیم. شرع مقدس هم دستور داده که باید همیشه در برابر اشخاصی که می خواهند به شما تجاوز کنند برای دفاع آماده باشید. برای جلوگیری از تعدّیات افراد نسبت به یکدیگر هم حکومت و دستگاه قضایی و اجرایی لازم است. چون این امور به خودی خود صورت نمی گیرد. باید حکومت تشکیل داد، چون تشکیل حکومت و اداره جامعه بودجه و مالیات می خواهد شارع مقدس بودجه و انواع مالیاتش را نیز تعیین نموده است: مانند خراجات، خمس، زکات و غیره.» [۷۳]. «از غیبت صغری تا کنون که هزار و چند صد سال می گذرد و ممکن است صدهزار سال دیگر بگذرد و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد، در طول این مدّت مدید احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود؟ و هر که هر کاری خواست بکند؟ هرج و مرج است؟... اعتقاد به چنین مطالبی یا اظهار آن ها بدتر از اعتقاد

و اظهار منسوخ شدن اسلام است.» [۷۴]. امام خمینی (رحمه الله) در برابر کسانی که با تمسک به برخی روایت ها می گویند: «هر دولتی که پیش از قیام قائم برپا شود باطل است»، یا «هر علمّی که قبل از قیام قائم برپا شود طاغوت است» [۷۵] موضع گیری می کند و به این اشخاص نسبت جهل می دهد و حرف های آن ها را نسنجیده می داند. ایشان می فرماید: «این احادیث هیچ مربوط به تشکیل حکومت خدایی عادلانه که هر خردمند لازم می داند نیست بلکه در روایت اول، دو احتمال است، یکی آن که راجع به خبرهای ظهور ولی عصر (عج) باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید علم هایی که به عنوان امامت قبل از قیام قائم برپا می شود باطل است. چنان چه در ضمن همین روایات علامت های ظهور هم ذکر شده است و احتمال دیگر آن که از قبیل پیشگویی باشد از این حکومت هایی که در جهان تشکیل می شود تا زمان ظهور که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی کنند و همین طور هم تا کنون بوده...» [۷۶]. «آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].» [۷۷]. همچنین حضرت امام (رحمه الله) برای ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت دلایل متعددی ارائه نموده است. [۷۸]. ب) نوع حکومتاز دیدگاه امام (رحمه الله) حکومت مورد نظر اسلام، با هیچ یک از حکومت های رایج در دنیای کنونی سنخیتی ندارد. نه استبدادی و دیکتاتوری است و نه دموکراتیک و نه هیچ نوع دیگر،

بلکه حکومت ویژه ای است که قابل مقایسه با هیچ حکومتی دیگر نیست. حکومت مورد نظر اسلام، «حکومت قانون الهی بر مردم» است. «حکومت اسلامی هیچیک از انواع طرز حکومت های موجود نیست. مثلاً استبدادی نیست که رئیس دولت مستبد و خود رأی باشد... و نه مطلقه بلکه مشروط است. البته نه مشروط به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آراء اشخاص و اکثریت باشد. مشروط از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شروط هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) معین گشته است. مجموعه شرط همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود. از این جهت حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است.» [۷۹]. «فرق اساسی حکومت اسلامی با حکومت های مشروطه سلطنتی و جمهوری در همین است: در این که نمایندگان مردم، یا شاه، در این گونه رژیم ها به قانونگذاری می پردازند؛ در صورتی که قدرت قوه مقننه و اختیار تشریح در اسلام به خداوند متعال اختصاص یافته است. [۸۰] قانون گذاری ندارد و هیچ قانونی جز حکم شارع را نمی توان به مورد اجرا گذاشت. به همین سبب، در حکومت اسلامی به جای مجلس قانونگذاری که یکی از سه دسته حکومت کنندگان را تشکیل می دهد، مجلس برنامه ریزی وجود دارد.» [۸۱]. ج) شرایط حاکماز آن جا که حکومت مورد نظر اسلام، حکومت ویژه ای است، زمام دار و حاکم اسلامی نیز باید فرد ویژه ای باشد و شرایطی مخصوص را دارا باشد. عمده ی این شرایط، دو شرط: «علم به

قانون الهی و «عدالت» است. «شرایطی که برای زمامدار ضروری است، مستقیماً ناشی از طبیعت طرز حکومت اسلامی است. پس از شرایط عامه، مثل عقل و تدبیر، دو شرط اساسی وجود دارد که عبارت اند از: ۱ علم به قانون، ۲ عدالت». [۸۲]. مقصود امام (رحمه الله) از عبارت «علم به قانون» علم به قانون موضوعه که اصطلاحاً «حقوق دان» گفته می شود. حاکم اسلامی باید عالم به قانون اسلام و احکام شرع باشد و او کسی جز «فقیه» نیست. «اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (علیه السلام) موجود بود برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد در عده بی شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند می توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند.» [۸۳]

(د) اقدام به تشکیل حکومت امام خمینی (رحمه الله) در شرایطی مسایل راجع به حکومت در دوران غیبت را مطرح و طرح کلی آن را ارائه نمود که دیگران آن را غیر ممکن می دانستند. تفاوت دیدگاه حضرت امام (رحمه الله) با دیگر عالمان و بزرگان در این نکته است که آن حضرت به بیان صرف اکتفا نکرد و برای تحقق حکومتی که زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) باشد اقدامات عملی را آغاز نمود. با سلطنت در افتاد، مشکلات را به جان خرید و سرانجام حکومتی تشکیل داد و آن را مقدمه ی حکومت مهدوی (علیه السلام) نامید. «از ۲۲ بهمن ۵۷

تا امروز که ۱۵ خرداد ۶۲ را در آغوش می‌گیریم ساعاتی محدود بیش نیست ولی تحوّلی که کمتر از صد سال بعید به نظر می‌رسید با تقدیر خدای بزرگ در این ایام محدود و ساعات محدودی تحقق یافت و جلوه‌ای از وعده قرآن کریم نور افشانی کرد و چه بسا که این تحول و دگرگونی، در مشرق زمین و سپس مغرب و اقطار عالم تحقق یابد. ولیس من الله بمستنکر که دهر را در ساعتی بگنجانند و جهان را به مستضعفان، این وارثان ارض بسپارد و آفاق را به جلوه الهی ولی الله الاعظم صاحب العصر (علیه السلام) روشن فرماید و پرچم توحید و عدالت الهی را در عالم بر فراز کاخ‌های سپید و سرخ مراکز ظلم و الحاد و شرک به اهتزاز در آورد. و ما ذلک علی الله بعزیز [۸۴] [۸۵]. امام راحل (رحمه الله) بارها از ایران به عنوان کشور بقیه الله یاد می‌کند و نیروهای نظامی و انتظامی ایران را سربازان امام زمان (علیه السلام) خطاب می‌کند. «اینجانب با یقین به آن که ما النَّصْرَ الْاَمِّنَ عِنْدَ اللَّهِ [۸۶] از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم (علیه السلام) را از چنگ گروگان آدمخوار که آلت‌هایی در دست ابرقدرتان خصوصاً آمریکای جهان خوار بیرون آورد... تشکر می‌کنم». [۸۷].

حکومت مهدوی (عج)

امام مهدی (عج) در وقت موعود قیام می‌کند و عالم را از پرتو نور جمالش منور می‌فرماید و این وعده‌ی خدا [۸۸] تخلف ناپذیر [۸۹] است. در این بخش از مقاله دورنمایی از حکومت مهدوی از دیدگاه

امام خمینی (رحمه الله) ارائه می گردد. الف) عکس العمل ها آن گاه که آن عزیز سفر کرده باز گردد و آیه ی شریفه ی «استخلاف» [۹۰] و وعده ی الهی را محقق نماید، عده ای در برابر آن حضرت موضع گیری می نمایند. ۱. تکفیر و تکذیب حضرت مهدی (عج) امام راحل (رحمه الله) در این خصوص فرموده است: «در حکومت عدل بقیه الله هم عدالت جاری می شود، لکن حب های نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حب های نفسانی است که در بعضی روایات هست که حضرت مهدی (عج) را تکفیر می کنند.» [۹۱]. از امام به حق جعفر صادق (علیه السلام) درباره ی آیه ی (اذا تتلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاوّلین) [۹۲] نقل شده است که فرمود: «یعنی تکذیبه بالقائم (علیه السلام) اذ یقول له لسنا نعرفک، و لست من ولد فاطمه (علیها السلام)، كما قال المشرکون لمحمد (صلی الله علیه و آله)». [۹۳]. مضمون برخی از روایت های دیگر آنست که اگر مردم بدانند که وقتی امام (علیه السلام) بیاید چه می کند، بیشترشان دوست دارند که او را نبینند به خاطر آن چه که از مخالفین به قتل می رساند. حتی بسیاری از مردم می گویند او از آل محمد (صلی الله علیه و آله) نیست. [۹۴]. ۲. مخالفت برخی فقیهان بعضی از فقیهان و دانشمندان، وقتی اعمال امام زمان و اقدامات آن حضرت را نمی پسندند با او به مخالفت بر می خیزند: «در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی فقهاء عصر با ایشان مخالفت می کنند.» [۹۵]. روایتی است طولانی که در بخشی از آن آمده است: «... و یسیر

الی الکوفه، فیخرج منها سته عشر الفاً من البتریه، شاکین فی السیاح قرآء القرآن، فقهاء فی الدین، قد قرحوا جباههم، و شمروا ثیابهم، و عمهم التفاق، و کلهم یقولون: یابن فاطمه، ارجع لاحاجه لنا فیک، فیضع السیف فیهم علی ظهر النجف...» [۹۶]. ۳. مخالفت برخی از اصحاب قلمپس از ظهور امام و اقدام عملی آن حضرت برای از میان برداشتن نشانه های فساد، عده ای از قلم به دستان نیز با او به مخالفت بر می خیزند: «شما بدانید که اگر امام زمان (علیه السلام) حالا بیاید، باز این قلم ها مخالفند با او.» [۹۷]. البته مخالفین هیچ قدرتی برای مقابله ندارند، در مقابل قدرت بی مثال امام زمان زبون و عاجزند. «در زمان حضرت صاحب (علیه السلام) حکومت واحد می شود قدرت حکومت... عدالت یک عدالت اجتماعی در همه عالم می آید اما نه این که انسان ها بشوند یک انسان دیگر، انسان ها همان ها هستند که یک دسته شان خوبند و یک دسته شان بد، منتها آنهایی که بد هستند دیگر نمی توانند که کارهای خلاف بکنند.» [۹۸]. ب) اقداماتبخشی دیگر از سخنان امام راحل (علیهم السلام) راجع به اقدامات امام زمان (عج) است. ۱. اجرای احکام اسلامبرخی از احکام اسلام به دلیل موانع خارجی تاکنون اجرا نشده و بر زمین مانده است. این قبیل احکام همانند سایر دستورهای دین به دست تواتمند حضرت مهدی (عج) اجرا خواهد شد. امام خمینی (رحمه الله) حضرت مهدی (عج) را «قوه ی اجرایی اسلام» می نامد: «ما که از امام مهدی (عج) که قوه اجرایی اسلام است صحبت می کنیم... این بیچاره ها برای خدمت به اجانب

یا نفهمیده تأویل می کنند که فلان گفته است که حضرت مهدی (عج) تکمیل می کند شریعت را. این بسیار ناگوار است برای ما، ما حضرت مهدی (عج) را یکی از افرادی می دانیم که تابع اسلام است. تابع پیغمبر اسلام است، لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است و اجرا می کند این مطالبی را که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده است». [۹۹]

. گرچه مضمون بعضی روایت ها آنست که امام زمان (عج) با امر جدیدی ظهور می کند، [۱۰۰] لکن مقصود این نیست که آن جناب دین و شریعت تازه ای (مغایر با شریعت جدش) می آورد، بلکه او همان دین اصیل پیامبر را می آورد. از آن جا که دین رسول خدا در طول زمان و در گذر ایام دست خوش تغییرها و تحریف هایی شده است و امام همان دین خالص را می آورد، مردم می پندارند که این دین جدید است. در روایت های زیادی آمده است که حضرت مهدی (عج) همان کاری را می کند که پیامبر کرده است. [۱۰۱] به سنت پیامبر عمل می کند و شریعت پیامبر را احیا می نماید: «قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): القائم من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی و سنته سنتی یقیم الناس علی ملّتی و شریعتی و یدعوهم الی کتاب الله عزّوجلّ». [۱۰۲]. محتوای دعوت امام زمان همان کتاب خدا است و مردم را به سنت و شریعت جدش امر می نماید. ۲. نابودی ستم گرانیکی از اقدام های مهدی موعود (عج) آنست که زمین را از ستم گران، گردن کشان،

منافقان و حيله گران پاک می کند. «چه مبارک است زادروز ابرمردی که جهان را از شر ستمگران و دغلبازان تطهیر می نماید و زمین را پس از آن که ظلم و جور آن را فراگرفته پر از عدل و داد می نماید و مستکبران جهان را سرکوب و مستضعفان جهان را وارثان ارض می نماید...» [۱۰۳]. «چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغلبازی ها و فتنه انگیزی ها پاک شود... و منافقان و حيله گران از صحنه خارج شوند... و کاخ های ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد... و شیاطین و شیطان صفتان به انزوا گرایند و سازمان های دروغین حقوق بشر از دنیا برچیده شوند...» [۱۰۴]. روایت های فراوانی وارد شده است مبنی بر این که حجه بن الحسن العسکری با دشمنان قتال می کند، کفار و منافقین را نابود می کند، ناصبی ها [۱۰۵] را هلاک می کند، از ظالمین انتقام می گیرد و... از جمله این که او با شمشیر قیام می کند: «... والقائم یسیر بالقتل» [۱۰۶]، زمین را از اهل کفر و انکار پاک می کند: «و لکنّ القائم الذی یطهر الله به الارض من اهل الکفر و الجحود...» [۱۰۷]، تا آن جا که دیگر بجز پیروان دین محمد احدی باقی نماند: «و یقتل الناس حتی لایبقی الا دین محمد (صلی الله علیه و آله)...» [۱۰۸] و زمین در اختیار صالحان قرار گیرد. [۱۰۹]. ۳. محو ظلم و ستم و گسترش عدل و داد از اقدام های اساسی آن حجت الهی، حضرت مهدی (عج) اینست که هر چه ظلم و ستم است، با آن مبارزه

می کند و با قدرت خدایی هیچ اثری از آن باقی نمی گذارد؛ عدل و داد فراگیر می شود و در حکومت مهدوی به کسی ستم نمی شود: «چه مبارک است زادروز ابر مردی که جهان را از شرّ ستمگران و دغلبازان تطهیر می کند و زمین را پس از آن که ظلم و جور آن را فرا گرفته پر از عدل و داد می نماید... و قلم های ننگین و زبان های نفاق افکن شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتو افکن شود.» [۱۱۰]. روایت های مربوط به ظلم ستیزی و عدالت گستری حضرت مهدی (عج) بیش از آنست که بتوان همه ی آن را نقل و یا حتی مأخذ آن را ذکر نمود. فقط به یک روایت اشاره می شود که از رسول گرامی اسلام نقل شده است: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمُوتَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا، قَالَ ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عَتْرَتِي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا». [۱۱۱]. درباره ی این قسمت از سخنان امام خمینی (رحمه الله) دو نکته قابل ذکر است: نکته ی اول) محو ظلم و ستم یعنی چه؟ در روایت ها روی این مطلب تاکید شده است که در حکومت مهدوی ظلم و ستم از بین می رود، مقصود از آن چیست؟ آیا مقصود اینست که هیچ کس ظلم نمی کند و به حقوق هیچ کس تجاوز نمی شود؟ دیدگاه حضرت امام (رحمه الله) را می توان چنین بیان نمود. از کارگزاران حضرت امام زمان ظلمی صادر نمی شود، چون افراد صالحی هستند. در صورت ظلم، ظالم تحت پی گرد قرار می گیرد

و مجازات می شود. جرم و گناه در حکومت امام زمان به حداقل می رسد. پس این گونه نیست که هیچ لغزش و خطایی وجود نداشته باشد. «در زمان حضرت صاحب (علیه السلام) هم که ایشان با تمام قدرت می خواهند عدل را اجرا نمایند، با این ترتیب نمی شود که هیچ کس حتی خلاف پنهانی هم نکند و بالاخره همان ها هم که مخالف هستند حضرت صاحب را شهید می کنند و در روایات قریب به این معنا دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می کنند. پس اینطور نیست که خلاف فلان قاضی یا فلان فرماندار و اصولاً بعضی جهات منفی خطری باشد. در زمان حضرت امیر هم قاضی اش و فرماندارش خلاف می کردند، این اجتناب ناپذیر است.» [۱۱۲]. «و لهذا می بینید فساد در آن وقت بود و حالا هم هست و تا آخر هم خواهد بود. بله، در زمان حضرت صاحب (علیه السلام) حکومت واحد می شود... اما نه این که انسان ها بشوند یک انسان دیگر، انسان ها همان ها هستند که یک دسته شان خوبند، یک دسته شان بد، منتها آن هایی که بد هستند دیگر نمی توانند که کارهای خلاف بکنند.» [۱۱۳]. «در حکومت عدل بقیه الله هم عدالت جاری می شود. لکن حب های نفسانی در بسیاری از قشرها باقی است و همان حب های نفسانی است که بعضی روایات هست که حضرت مهدی (عج) را تکفیر می کنند.» [۱۱۴]. نکته ی دوم) عدالت در حکومت مهدی (عج) چگونه است؟ همان طور که قبلاً گفته شد، یکی از اقدام های با ارزش امام زمان این است

که او عدالت را اجرا می کند. امام خمینی (رحمه الله) در مورد عدالت مورد نظر توضیحاتی دارد. عدالت در زمان امام مهدی (عج) همان چیزی است که هدف بزرگ انبیا و امامان بوده و آرزوی بر آورده نشده ی آنان است که به دست توان مند آخرین ستاره ی آسمان امامت اجرا می شود: «هر یک از انبیا که آمدند برای اجرای عدالت آمدند... لکن موفق نشدند... و آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم این عدالتی که مردم عادی می فهمند که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت، انسان اگر هر انحرافی پیدا کند، انحراف عملی انحراف روحی، انحراف عقلی، برگرداندن این انحرافات را به معنای خودش این ایجاد عدالت است در انسان، اگر اخلاقش اخلاق منحرفی باشد، از این انحراف وقتی به اعتدال برگردد، این عدالت در او تحقق پیدا کرده است. اگر در عقاید یک انحرافات و کجی هایی باشد، برگرداندن آن عقاید کج به یک عقیده صحیح و صراط مستقیم، این ایجاد عدالت است در عقل انسان.» [۱۱۵]. بنابراین مراد از عدالت که ره آورد امام عصر (علیه السلام) است فقط برطرف شدن فاصله ی طبقاتی نیست امروزه از کلمه ی عدالت فقط کم شدن فاصله ی بین فقیر و غنی اراده می شود بلکه عدالت به معنای حقیقی کلمه که همان اعتدال در امور است، اعتدال در اخلاق، اقتصاد، عقاید، سیاست و... همان گونه که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در تفسیر عدل فرموده است:

«العدل يضع الامور مواضعها». [۱۱۶]. ج) آثار اقدام های اصلاحی حضرت مهدی (عج) در دوران حکومتش اثرها و برکت های فراوانی دارد که به برخی از آن ها در سخنان حضرت امام (رحمه الله) اشاره شده است. در زیر به دو مورد اشاره خواهد شد: ۱ ریزش برکات الهیکی از آثار اقدامات آن مصلح کل، حضرت مهدی (عج) اینست که در دوران حکومت او خدا رحمت و برکاتش را بر اهل زمین نازل می فرماید. بیان امام راحل (رحمه الله) در این خصوص چنین است: «... پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسیط زمین افراشته گردد و تنها قانون عدل اسلامی بر بشریت حاکم شود و کاخ های ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد و آن چه غایت بعثت انبیا علیهم صلوه الله و حامیان اولیاء (علیهم السلام) بود تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود». [۱۱۷]. مستند روایی این مطلب روایت هایی است، از جمله حدیث حضرت علی (علیه السلام) که در بخشی از آن آمده است: «لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها، ولأخرجت الأرض نباتها» [۱۱۸]. از دیدگاه قرآن کریم گناه، ظلم و ستم مهم ترین مانع نزول برکات الهی است و در طرف دیگر تقوی رمز نزول آن همان گونه که فرمود: ولو ان اهل القرى آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض. [۱۱۹]. حال که چنین است، وقتی که مهدی موعود (عج) ظلم و ستم را ریشه کن نماید و موانع نزول برکت را برطرف نماید، در این صورت بر اساس همان وعده ی الهی آسمان مأمور می شود بیارد و زمین هم برویاند. ۲.

برداشته شدن مرزهای جغرافیاییدر سایه ی اقدام های اصلاحی امام زمان (علیه السلام) ریشه های اختلاف و دوگانگی از بین می رود و ملت های مسلمان تبدیل به امت واحد اسلامی می شوند و حکومت جهانی مهدوی شکل می گیرد. همان طور که امام راحل (رحمه الله) فرمود: «در زمان حضرت صاحب (علیه السلام) حکومت واحد می شود...» [۱۲۰]. «به ما این وعده را داده اند که در یک وقتی که امام زمان سلام الله علیه ظهور کند، این اختلافات از بین می رود و همه برادروار با هم هستند.» [۱۲۱]. یکپارزمشکلات اساسی دنیای اسلام اینست که تجزیه و به کشورهای کوچک مستقلی تبدیل شده است. این تجزیه، تفرقه را نیز به دنبال داشته است. آنان به جای آن که با وحدت، قدرت بزرگی تشکیل دهند و در مقابل مستکبران بایستند و قدرت آنان را در هم بشکنند، متأسفانه تحت تأثیر مداخله های بیگانگان، تمام امکانات خود را برای تضعیف یکدیگر به کار می گیرند. اما وقتی که حضرت مهدی (عج) بیاید، این مرزها برداشته می شود، فرماندهی واحد با بهره گیری از تمام امکانات و با قدرت الهی بساط ظلم و ستم را بر خواهد چید. إن شاء الله تعالی و قد شاء الله تبارک و تعالی. والسلام علی المهدی (عج) و علی الخمینی (قدس سره) و علی أنصارهما و أعوانهما اللّهم تقبل منّا

پاورقی

[۱] سید روح الله، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۱.

[۲] همان، ص ۴۸۲.

[۳] این حدیث با عبارات گوناگون ولی با مضمون مشترک نقل شده است، از جمله: «... یملاً الارض عدلاً كما ملئت قبله ظلماً...»، «یملاً الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً»، «یملاً الارض عدلاً

وقسطاً، كما ملأها القوم ظمماً و جوراً»؛ برای اطلاع از احادیث مربوط مراجعه شود به: معجم احادیث الامام المهدي (عليه السلام)، (گردآوری)، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ج ۱، ص ۱۰۴ به بعد.

[۴] صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲.

[۵] معجم احادیث الامام المهدي (عليه السلام)، ج ۲، ص ۲۷۰.

[۶] «... در سوم آن، بزرگ مجاهد عالم بشریت متولد شد و در پانزده آن، حضرت مهدی (عليه السلام) موعود (عليه السلام) پا به عرصه وجود گذاشت». صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۰.

[۷] سید روح الله، صحیفه نور (مجموعه سخنرانی ها و پیام های حضرت امام خمینی (رحمه الله))، (۲۲ جلدی)، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱۵، ص ۳۲.

[۸] محمد باقر، بحار الانوار، المكتبه الاسلاميه، ج ۵۲، ص ۳۷۸، ح ۱۸۴.

[۹] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۴۹.]

[۱۰] البقره: ۲ / ۳۰.

[۱۱] محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱؛ و به همین مضمون: الطبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۵۲: «...فانه خليفه الله عزوجل و خليفتي».

[۱۲] وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (رحمه الله)، قسمتی از بند «ع».

[۱۳] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۹.

[۱۴] الحديد: ۵۷/۱۷. یعنی: «بدانید همانا خدا زنده می کند زمین را پس از مرگش».

[۱۵] محمد بن حسن، الغیبه، مؤسسه المعارف الاسلاميه، ط. الثاني، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۷۵، ح ۱۳۱.

[۱۶] هود: ۸۶ / ۱۱. مراجعه شود به: العروسی الحویزی، علی بن جمعه، نور الثقلین، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۹۰.

[۱۷] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۷.

[۱۸] همان، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

[۱۹] محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶، ح ۵.

[٢٠] سبأ: ٣٤ / ٤٦. یعنی: «بگو:

شما را به یک چیز اندرز می‌دهم و آن این‌که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید».

[۲۱] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۶.

[۲۲] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۸ و ۲۹.

[۲۳] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۸۰.

[۲۴] همان، ج ۲۰، ص ۷۹.

[۲۵] همان، ص ۱۹۷.

[۲۶] محمد بن حسن، اثبات الهداه، (دوره ی سه جلدی)، ج ۳، ص ۴۴۱، ح ۸ و ص ۴۴۲، ح ۱۴.

[۲۷] العصر: ۱۰۳ / ۱ و ۲. یعنی: «سوگند به عصر، همانا انسان در زیان است».

[۲۸] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۲۵.

[۲۹] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۲۵.

[۳۰] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴، ح ۱.

[۳۱] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۸۸.

[۳۲] محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۳، ح ۱۸.

[۳۳] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲.

[۳۴] الطبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۴۵۴.

[۳۵] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۸.

[۳۶] الطبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، ص ۴۶۶.

[۳۷] مراجعه شود به: مفاتیح الجنان، (گردآوری: شیخ عباس قمی)، زیارت جامعه کبیره.

[۳۸] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۵.

[۳۹] محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، آل البيت (علیهم السلام)، ج ۲، ص ۳۴۰ ولی اگر از

زمان وفات امام عسکری (علیه السلام) محاسبه شود ۶۹ سال خواهد بود.

[۴۰] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۷.

[۴۱] الحديد: ۵۷ / ۲۵.

[۴۲] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۰۷.

[۴۳] همان، ج ۲۰،

ص ١٩٨.

[٤٤] پیشین، ج ١٢، ص ٢٠٧.

[٤٥] پیشین، ص ٢٠٨.

[٤٦] محمدباقر، بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٩٠، ح ١٧ و نیز ر.ک: الطبری، محمد بن جریر، دلائل الامامہ، ج ٣، ص ٤٩٨.

[٤٧] سید روح الله، صحیفه نور، ج ١٢، ص ٢٠٧.

[٤٨] همان، ج ٧، ص ٢٥٥.

[٤٩] محمدباقر، بحار الانوار، ج ٥٢، ص ١٢٢، ح ٢.

[٥٠] قال رسول الله (صلى الله عليه وآله):... و انتظار الفرج عبادہ؛ همان.

[٥١] سید روح الله، صحیفه امام، ج ٢١، ص ١٣.

[٥٢] همان، ص ١٤ و ١٣.

[٥٣] پیشین، ص ١٤.

[٥٤] پیشین.

[٥٥] پیشین، ص ١٥.

[٥٦] پیشین، ج ١٩، ص ١٥٤.

[٥٧] سید روح الله، صحیفه نور، ج ٧، ص ٢٠٣.

[٥٨] همان، ص ٢٦٧.

[٥٩] همان، ص ٢٥٣.

[٦٠] التوبه: ٩ / ١٠٥.

[٦١] سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جماعه المدرسین، قم، ج ١٠، ص ٣٨٥؛ العروسی الحویزی، علی بن جمعه،

نور الثقلین، ج ٢، ص ٢٦٢.

[۶۲] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۳، ۹۹.

[۶۳] السبأ: ۳۴ / ۴۶. یعنی: «بگو: شما را به یک چیز اندرز می‌دهم، و آن این که: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید».

[۶۴] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۶.

[۶۵] همان، ج ۹، ص ۲۰۲.

[۶۶] همان، ج ۲، ص ۲۸.

[۶۷] آیه‌ها و روایت‌ها درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر زیاد است، از جمله آیه‌های: ۱۱۰ و ۱۱۴ سوره‌ی آل عمران.

[۶۸] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

[۶۹] همان، ج ۹، ص ۲۰۲، به همین مضمون مراجعه شود به: همان، ج ۱۵، ص ۲۲.

[۷۰] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۶، ح ۱۴۶.

[۷۱] البقره: ۲

۱۵۶ / یعنی: «ما از خدا هستیم و ما بازگردنده به سوی او هستیم».

[۷۲] وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی (رحمه الله)، بخشی از بند «ع».

[۷۳] سید روح الله، ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، چ نهم، ۱۳۷۸ ش، ص ۳۹.

[۷۴] همان، ص ۱۹.

[۷۵] محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۲، ح (۴۶۱).

[۷۶] سید روح الله، کشف الاسرار، ص ۲۲۵.

[۷۷] سید روح الله، صحیفه امام (رحمه الله)، ج ۲۱، ص ۱۴.

[۷۸] سید روح الله، ولایت فقیه، ص ص ۱۷۳۲.

[۷۹] همان، ص ۳۳.

[۸۰] (إن الحكم الا لله): یوسف: ۱۲ / ۴.

[۸۱] سید روح الله، ولایت فقیه، ص ۳۳.

[۸۲] همان، ص ۳۷.

[۸۳] پیشین، ص ص ۴۰ و ۳۹.

[۸۴] فاطر: ۱۷/۳۵؛ یعنی: و این برای خدا مشکل نیست.

[۸۵] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۲.

[۸۶] آل عمران: ۳ / ۱۲۶. یعنی: «نیست پیروزی جز از نزد پروردگار».

[۸۷] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۵۴.

[۸۸] وعده الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصّالحات لیستخلفنهم فی الارض... النور: ۲۴ / ۵۵.

[۸۹] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۴.

[۹۰] مقصود آیه ی ۵۵ سوره ی شریفه ی نور است و هم چنین آیه ی ۵ سوره ی شریفه ی قصص: و نرید ان نمّن علی الذین

استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین می باشد.

[۹۱] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۰۵.

[۹۲] القلم: ۶۸ / ۱۵. یعنی: «هرگاه آیه های ما بر او خوانده شود، گوید افسانه های پیشینیان است».

[۹۳] مجمع احادیث الام المهدی (علیه السلام)، (گردآوری)، ج ۵، ص ۴۵۷.

[۹۴] «لو

يعلم النَّاس ما يصنع القائم اذا خرج لاحبِّ اكثرهم الأيروه ممَّا يقتل النَّاس... حتَّى يقول كثير من النَّاس ليس هذا من آل محمَّد، لو كان من آل محمَّد لرحم»، (ميزان الحكمة، (گردآوری: محمد محمدی ری شهری)، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۲۳۷).

[۹۵] سيد روح الله، صحيفه نور، ج ۱۹، ص ۱۸۱.

[۹۶] الطبري، محمد بن جرير، دلائل الامامه، ص ص ۴۵۶ و ۴۵۵.

[۹۷] سيد روح الله، صحيفه نور، ج ۱۰، ص ۲۷.

[۹۸] همان، ج ۲۰، ص ۷۹.

[۹۹] پيشين، ج ۱۲، ص ۲۸۶.]

[۱۰۰] محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۵۹۶.

[۱۰۱] «... يصنع كما صنع رسول الله (صلى الله عليه وآله)...» (همان، ص ۵۳۹، ح ۴۹۹).

[۱۰۲] پيشين، ص ۴۸۲، ح ۱۹۰.

[۱۰۳] سيد روح الله، صحيفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲.

[۱۰۴] همان.

[۱۰۵] محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۵۰، ح ۵۸.

[۱۰۶] معجم احاديث الامام المهدي، (گردآوری)، ج ۳، ص ۳۰۳.

[۱۰۷] محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۷۸، ح ۱۷۵.

[۱۰۸] محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

[۱۰۹] الانبياء: ۲۱ / ۱۰۵: (... انّ الارض يرثها عبادى الصّالِحون).

[۱۱۰] سيد روح الله، صحيفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲.

[۱۱۱] معجم احاديث الامام المهدي، (گردآوری)، ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۵۹.

[۱۱۲] سيد روح الله، صحيفه نور، ج ۱۹، ص ص ۱۸۱ و ۱۸۰.

[۱۱۳] همان، ج ۲۰، ص ۷۹.

[۱۱۴] پیشین، ج ۱۶، ص ۱۰۵.

[۱۱۵] پیشین، ج ۱۳، ص ۲۰۷.

[۱۱۶] نهج البلاغه، (گردآوری: السيد الشريف الرضى)، (طبق نسخه ی المعجم المفهرس)، مؤسسه النشر الاسلامی، ح ۴۳۷.

[۱۱۷] سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲.

[۱۱۸] محمد بن حسن، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۰۲، ح

[۱۱۹] الاعراف: ۷ / ۹۶. یعنی: «و اگر مردم شهرها (و آبادی‌ها) ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، حتماً می‌گشودیم بر آنان برکت‌هایی را از آسمان و زمین».

[۱۲۰] سید روح‌الله، صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۷۹.

[۱۲۱] همان، ج ۱۱، ص ۳۱.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

